

تحلیل جامعه‌شناختی «ایران» از رفتار جمعی

شهروندان تهرانی در ترازوی منافع عمومی و فردی

همبستگی ارگانیک در پایتخت

گزارش

مهسا قوی قلب- گروه گزارش / کلان‌شهر تهران به دلیل داشتن ساختاری گسترده

از قومیت‌های مختلف و سبک‌های زندگی متنوع، همیشه در معرض آزمون‌های سخت اجتماعی قرار دارد. از جنگ و زلزله تا تنش‌های روزمره‌ای مانند ترافیک و آلودگی هوا، میزان تاب‌آوری تهرانی‌ها را محک می‌زند. در حال حاضر بحران‌های فصلی محیط زیستی مانند کم‌آبی و انرژی نیز در تهران بروز پیدا کرده است، موضوعی که بازمهمدلی و همکاری جمعی شهروندان را برای عبور از بحران پرتنگ‌تر از قبل کرده است. بعد از درخواست مسئولان برای صرفه‌جویی و مدیریت مصرف آب، به گفته مدیرعامل آبفاي تهران، مصرف آب پایتخت ۱۲ درصد کاهش یافته است و شمار مشترکان پرمصرف و بدمصرف کاهش یافته و سرانه مصرف هر خانواده طی هشت ماه اخیر ماهانه ۱۷۰۰ لیتر کم شده است. یعنی همبستگی و احساس خطر برای عبور از یک بحران بازمه تا حدودی جواب داده است. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که این همبستگی بحران‌محور فقط یک واکنش هیجانی و گذراست یا می‌تواند سنگ بنای تاب‌آوری اجتماعی پایدار باشد؟

در واکنش به پدیده و امکان تبدیل

آن از یک وضعیت استثنایی به یک هنجار نهادینه، دکتر سجاد بهرامی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی به «ایران» می‌گوید: «در ریشه‌یابی همبستگی، از مکانیسم‌های غریزی تا ساختارهای ارگانیک باید مفاهیم کلاسیک جامعه‌شناسی را مرور کنیم. دو نوع همبستگی اجتماعی داریم، مکانیکی و ارگانیک که با یک‌دیگر تمایز دارند. همبستگی مکانیکی، ویژه جوامع سنتی و ساده است، جایی که افراد شباهت‌های زیادی در باورها، ارزش‌ها و کارهای

یکسان دارند. احساس تعلق در این جوامع، قوی اما مبتنی بر عواطف و سنت است. در مقابل، همبستگی ارگانیک، محصول جوامع مدرن و پیچیده با تقسیم کار گسترده است. در اینجا، افراد نه به دلیل شباهت، که به دلیل تفاوت و وابستگی متقابل به یک‌دیگر پیوند می‌خورند. پزشک به نانوا نیاز دارد و نانوا به برق‌کار و این شبکه وابستگی، پیوند قوی اجتماعی را تشکیل می‌دهد.» همین چهارچوب را می‌توان با جامعه تهران تطبیق داد، به گفته این پژوهشگر اجتماعی، تهران به لحاظ ساختاری، جامعه‌ای با گرایش به همبستگی ارگانیک است. اما در عمل، ما شاهد نوعی دوگانگی هستیم. در شرایط عادی، گاه به نظر می‌رسد فردگرایی مصرفی و پیگیری منافع شخصی گفتمان مسلط است،

آیینة بحران آب بازتاب تضادهای

ساختاری و ظرفیت‌های پنهان

مشکل کمبود آب که ناشی از کاهش بارش هاست به عنوان یک موضوع آرام اما ساختاری، نمونه ایده‌آلی برای تحلیل است. بهرامی معتقد است: «موضوع آب، برخلاف زلزله، ناگهانی و هیجانی نیست، کند، خزنه و قابل پیش‌بینی است. بنابراین، واکنش به آن می‌تواند بسیار گویا باشد. آمار کاهش ۱۲ درصدی مصرف آب شرب تهران در شب یلدا و آن‌رقم‌های قابل تأمل مانند صرفه‌جویی حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب، کاهش پنج هزار لیتری در ثانیه و معادل ۴۶۰ میلیون لیتر صرفه‌جویی نسبت به سال قبل، تنها یک موفقیت کمی نیست. این آمار، یک بایانه اجتماعی است که به ما سه پیام کلیدی می‌دهد. اول، ظرفیت پذیرش پیام جمعی است

که نشان می‌دهد شهروندان تهرانی، زمانی که پیام خطر به شکلی متمرکز، شفاف و فوری مثل وضعیت قرمز سدها را دریافت می‌کنند، آمادگی دارند آن را باور کنند و براساس آن عمل کنند. دوم، قابلیت تعدیل رفتارهای آیینی است. شب یلدا، یک آیین کهن با الگوهای مصرف ثابت مانند تهیه میوه، شام مفصل و دورهمی است.

توانایی تغییر حتی جزئی در این الگوهای ریشه‌دار، نشان از انعطاف‌پذیری هنجاری جامعه دارد. سوم و مهم‌تر، وجود سرمایه اخلاقی نهفته است. این اقدام، نوعی ابزار مصرفی است. خانواده‌ها لذت‌پذیری پرنور را که یک کالای نمادین و هویتی است به نفع یک منفعت عمومی ماملموس مانند ذخیره آب محدود کردند. این، همان سرمایه اخلاقی و حس مسئولیت‌پذیری جمعی است که در لایه‌های زیرین جامعه خوابیده و در موقعیت‌های خاص بیدار می‌شود.

این ماجرا و رفتارهای جمعی سویی دیگری دارد که بهرامی درباره آن هشدار می‌دهد: «نباید در دام خوش‌بینی مقطعی افتاد. این کاهش مصرف، یک اقدام استثنایی در پاسخ به یک احساس خطر مقطعی بود. پرسش جامعه‌شناختی حیاتی این است که آیا می‌توان این واکنش هیجانی-آگاهانه را به یک عادت‌واره پایدار تبدیل کرد؟ عادت‌واره، یعنی نظامی از گرایش‌های ناخودآگاه که رفتار روزمره را شکل می‌دهد. متأسفانه، ما در حوزه مصرف، با یک شکاف عمیق بین آگاهی و عمل روبه‌رو هستیم. شهروند از خطر کم‌آبی آگاه است و برای آن نگران است اما این دو، لزوماً به کاهش دوش گرفتن طولانی یا اصلاح الگوی کشاورزی و صنعتی منجر نمی‌شود. این شکاف، محل اصلی کار فرهنگ‌سازی است.»

به اعتقاد این جامعه‌شناس باید از جهاد سنتی تا مسئولیت اجتماعی مدرن یک مفهوم کلیدی بازتعریف شود و برای برکردن این شکاف، به سراغ باخواری یک مفهوم فرهنگ‌ی بومی رفت. در گفتمان فرهنگی-دینی ایران، مفهوم جهاد همواره محوری



تاب‌آوری، فقط

تحمل مشکلات

نیست، بلکه

توانایی

یادگیری از آن،

تطبیق و تبدیل

تجربدها به

فرصت‌های

توسعه است.

کاهش مصرف

آب در شب

یلدا، یک نمونه

کوچک از این

تاب‌آوری است.

اگر بتوانیم این

الگوی رفتار

جمعی را در

حوزه‌های دیگر

مانند انرژی،

ترافیک، آلودگی

هوا و مدیریت

پسماند تکرار

و نهادینه

کنیم، آن‌گاه

تهران نه تنها

مشکل تراش

نخواهد بود،

که می‌تواند

به الگویی

برای سایر

کلان‌شهرهای

ایران و حتی

منطقه تبدیل

شود

بوده است. جهاد در میدان جنگ فقط یک صورت آن است. در شرایط کنونی، یکی از متعالی‌ترین مصادیق جهاد اکبر، جهاد مصرف است. یعنی جنگیدن با فرهنگ اسراف، با راحت‌طلبی و پراگندگی است. وقتی شهروندی با وجود برخورداری مالی، مصرف انرژی خود را مدیریت می‌کند، در واقع در خط مقدم دفاع از امنیت ملی کشور ایستاده است. این دلسوزی مردم که در کمک‌های نقدی و غیرنقدی در بحران‌ها می‌بینیم، باید به خردورزی جمعی در مدیریت منابع تبدیل شود. اینجااست که جهاد به مسئولیت اجتماعی شهروندی پیوند می‌خورد، مسئولیتی که مبتنی بر علائیت جمعی و درک وابستگی متقابل است.

این پژوهشگر براین باور است که این گذار، خودبه‌خود رخ نمی‌دهد و نیازمند طراحی اجتماعی هوشمند است. فرهنگ‌سازی روایت‌محور و چندلایه است و با شعار و پوستر محقق نمی‌شود. نیاز به خلق روایت‌های جذاب جایگزین نیز وجود دارد. سینما، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و ادبیات باید قهرمانان جدیدی خلق کنند، قهرمانی که نه با شمشیر که با صرفه‌جویی در آب، با استفاده از حمل‌ونقل عمومی، با رعایت حقوق همسایه و با مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی شناخته می‌شود. باید نشان بدهیم که مسئولیت‌پذیری جذاب است، منزلت اجتماعی می‌آورد و لذت جمعی ناشی از

حفظ منابع، بر لذت فردی ناشی از اسراف، برتری دارد. بهرامی می‌گوید: «طراحی سازوکارهای تشویقی و تنبیهی هوشمند را نیز باید مدنظر داشته باشیم. قدردانی از شهروندان مسئولیت‌پذیر، باید از حالت نمادین خارج شود. می‌توان به فکر باجه‌های مسئولیت اجتماعی بود. کسانی که الگوی مصرف بهینه‌ای در طول سال خارج شود. می‌تواند امتیازاتی در دریافت خدمات شهری، تسهیلات بانکی یا حتی کاهش هزینه‌های بیمه دریافت کنند. سیستم‌های اندازه‌گیری هوشمند آب و برق، می‌توانند بستر فنی این کار باشند. از طرفی، باید مشوق‌ها را از سطح فرد به سطح محله تعمیم داد. محله‌ای که بیشترین کاهش مصرف را دارد، می‌تواند از

امکانات فرهنگی و ورزشی بیشتری بهره‌مند شود. این کار، همبستگی محل‌ها را تقویت می‌کند.» مورد دیگری که این جامعه‌شناس اشاره می‌کند، تقویت حس تعلق خاطر و مالکیت اجتماعی است: «عمیق‌ترین انگیزه برای مسئولیت‌پذیری، حس مالکیت است. مردم از آنچه مال خود می‌دانند، حفاظت می‌کنند. باید با تقویت دموکراسی محلی و شوراهای شهر پویا، این احساس را ایجاد کرد که شهرو محله، مال ماست. وقتی مردم در تصمیم‌گیری درباره پارک محل، مدیریت پسماند یا برنامه‌های فرهنگی مشارکت داده شوند، نسبت به نتایج احساس مسئولیت می‌کنند.»

تهران می‌تواند به آزمایشگاه

تاب‌آوری اجتماعی تبدیل شود

در مقوله تاب‌آوری اجتماعی می‌توانیم نگاهی آینده‌نگر به تهران داشته باشیم. بهرامی می‌گوید: «تهران با همه دشواری‌هایی که دارد، به دلیل تراکم نخبگان، مراکز رسانه‌ای، نهادهای مدنی و تنوع جمعیتی، می‌تواند به آزمایشگاه پیشروی ایران برای ساختن تاب‌آوری اجتماعی تبدیل شود. تاب‌آوری، فقط تحمل مشکلات نیست، بلکه توانایی یادگیری از آن، و تطبیق و تبدیل تجربه‌ها به فرصت‌های توسعه است. کاهش مصرف آب در شب یلدا، یک نمونه کوچک از این تاب‌آوری است. اگر بتوانیم این الگوی رفتار جمعی را در حوزه‌های دیگر مانند انرژی، ترافیک، آلودگی هوا و مدیریت پسماند تکرار و نهادینه کنیم، آن‌گاه تهران می‌تواند به الگویی برای سایر کلان‌شهرهای ایران و حتی منطقه تبدیل شود.»

روّیای ممکنِ همبستگی پایدار

تصویری دوگانه اما امیدوارکننده برای تهرانی‌ها ترسیم شده که به اعتقاد بهرامی چالش اصلی، مهندسی اجتماعی گذار از همبستگی هیجانی و بحران‌محور به مسئولیت‌پذیری عقلانی و روزمره است. این گذار، نیازمند عزمی سه‌جانبه است، نخبگان فکری و فرهنگی باید روایت‌های جدیدی از شهروندی بسازند، نهادهای حاکمیتی و شهری باید با اعتمادسازی و ایجاد فضای مشارکت واقعی، بسترهای نهادی و تشویقی فراهم آورند و خود شهروندان باید به تدریج این خودآگاهی را پیدا کنند که در جهان به هم‌پیوسته شهری، منفعت پایدار فرد، در گرو تأمین منفعت جمعی است. آمار کاهش مصرف آب در تهران، جرقه‌ای است در تاریکی که ثابت می‌کند این مسیر، اگرچه طولانی و پیچ‌پوخم، اما کاملاً ممکن است. سرنوشت تهران و شهرهای ایرانی، در گرو تبدیل همین جرقه‌های مقطعی، به آتشی پایدار در گوره فرهنگ عمومی است. او می‌گوید: «در مواجهه با آزمون‌های سخت ملی، از بحران خشکسالی تا تهاجم نظامی، تصویر مردم ایران و بویژه شهروندان تهرانی، تصویری از تاب‌آوری و پایداری جمعی بوده است. زمانی که هشدار درباره وضعیت قرمز سدها و ذخایر آبی به گوش رسید، شاهد ظهور نوعی خرد جمعی و ایثار مصرفی بودیم؛ همان‌گونه که در کاهش چشمگیر مصرف آب در شب‌های نمادینی مانند یلدا متجلی شد. این اقدام، صرفاً یک واکنش فنی به کمبود نبود، بلکه بیانگر درکی عمیق از وابستگی متقابل و مسئولیت مشترک در قبال سرنوشت یک ملت بود. به‌طور مشابه، در گردباد حوادث نظامی، جامعه نه در هراس و انفعال، که در قالبی منسجم و همدل، برمدار دفاع از تمامیت ارضی و هویت ملی ایستادگی کرد. این صحنه‌ها آشکارا نشان می‌دهد که در لایه‌های زیرین روان اجتماعی ایرانیان، سرمایه عظیمی از همبستگی نهفته است که در لحظات حساس، فعال شده و جامعه را از پرتگاه‌های بزرگ عبور می‌دهد.»



برش



نکرده است و مایت‌ها یکی از مواردی هستند که باعث تحریک آسم و اگرما در کودک می‌شود. او می‌گوید: «شروع اگرمای سرشتی، معمولاً در کودکی است. تغذیه نامناسب می‌تواند در برخی کودکان مستعد، به عنوان عامل تشدید کننده اگرما باشد و اگرمای نهفته را بیدار کند.

همچنین مایت در کودک مبتلا به اگرمای سرشتی عامل تشدید بیماری است. برای کودکانی که آلرژی دارند و یا در خانواده‌ای هستند که سابقه آلرژی وجود دارد؛ باید برای پیشگیری از ابتلا به آلرژی مایت به چند نکته مهم توجه کنید. تغذیه کودک تا شش ماهگی چیزی غیر از شیر مادر نباشد، همچنین باید از شیرخشک و غذاهای ناسالم پرهیز شود.»

پماد، مایت را درمان نمی‌کند

مصرف خودسرانه پمادهای می‌تواند وضعیت را بدتر کند چون تشخیص درست و تمیز دادن آلرژی از مایت به عهده پزشک متخصص است. در وهله اول باید مشخص شود که آیا آلرژی پوستی ناشی از مایت است یا نه. چون همان‌طور که گفته شد آلرژی ناشی از مواد خوراکی و مایت علائمی یکسان دارند. داوودی می‌گوید: «برای درمان حساسیت باید دارویی که پزشک مختص تشخیص داده است، مصرف شود. به صورت کلی مایت خطرناک نیست و نباید نگران شد. پزشک با تجویز دارو سعی بر کنترل آلرژی دارد و به مرور با نتیجه بخشی، دوز دارو کم‌تر می‌شود. پیشگیری و معالجه سریع‌تر در درمان باعث می‌شود درمان نتیجه بهتری داشته باشد و داروی کم‌تری هم تجویز شود. چون قرص و پماد در عین اثربخشی با عوارض همراه هستند.» با توجه به بررسی‌های علمی، مایت با اسپری‌های حاوی سم، به طور کامل از بین نمی‌رود، چون اثری موقتی دارند و ممکن است باعث بروز آلرژی شوند. در نتیجه این موجود به‌طور کامل از بین نمی‌رود بلکه کنترل می‌شود.

به گفته داوودی، شدت این

واکنش‌های آلرژیک به میزان تماس فرد با گردغبار، شرایط محیطی مانند رطوبت و تهویه نامناسب و همچنین آمادگی ژنتیکی بدن برای واکنش‌های آلرژیک بستگی دارد. او تأکید می‌کند که در بسیاری از موارد، افراد بدون آنکه از حضور مایت‌ها آگاه باشند، فقط با علائم آلرژیک مداوم مواجه می‌شوند. علائمی که ممکن است به اشتباه به عوامل دیگری نسبت داده شود.

داوودی معتقد است آلرژی ناشی از مایت‌ها یکی از مهم‌ترین اما کمتر دیده‌شده‌ترین مشکلات پوستی و محیطی است که با اصلاح شرایط زندگی، کاهش تماس با گردغبار می‌توان تا حد زیادی آن را کنترل کرد. مایت‌دمودکس و گال از دیگر انواع ابتلا شدن به این بندپا هستند. مایت با انتخاب میزبان و نفوذ در پوست او تولی در زیر پوست می‌سازد و منجر به خارش پوستی شدید در فرد می‌شود. دمودکس هم با اکنه شدید در بزرگسالان بروز پیدا می‌کند. از نظر داوودی آلرژی به مایت می‌تواند علائمی همانند حساسیت به فراورده‌های خوراکی و تنفسی داشته باشد. مایت‌ها یکی از عوامل شایعی هستند که باعث بروز علائم پوستی می‌شوند.

گردگیری، کنار زدن پرده‌ها و هرنوع فعالیتی که باعث شود گرد و خاک در محیط خانه پراکنده شود، احتمال بروز آلرژی توسط مایت به خصوص در کودکان را بالا می‌برد. در سننن کودکی هنوز سیستم ایمنی تکامل پیدا

قارچ‌های سطح پوست و سلول‌های مرده انسان تغذیه و محیط‌های گرم، مرطوب و کم‌تهویه را به‌عنوان خانه ایده‌آل خود انتخاب می‌کنند. خطر اصلی مایت‌ها نه خودشان، بلکه مواد دفعی و بقایای بدن آن‌هاست؛ ذراتی که به‌راحتی در هوا معلق می‌شوند و از راه پوست یا دستگاه تنفسی وارد بدن انسان می‌شوند.

سیستم ایمنی برخی افراد این ذرات را به‌عنوان عامل مهاجم شناسایی می‌کند و با واکنش‌های آلرژیک پاسخ می‌دهد؛ واکنش‌هایی که می‌توانند به شکل تشدید اگرمای پوستی، خارش و سوزش پوست، حساسیت‌های تنفسی، گرفتگی بینی، تشدید آسم، سرفه و التهاب چشم بروز پیدا کنند. ابتلا به مایت می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد، اما در این گزارش تمرکز اصلی بر واکنش‌های آلرژیک است که در اثر تماس با مایت‌ها، بویژه مایت‌های موجود در گردغبار خانگی، ایجاد می‌شود. این نوع مواجهه یکی از شایع‌ترین علل بروز علائم آلرژیک پوستی و تنفسی در محیط‌های بسته محسوب می‌شود.

دکتر سیدمسعود داوودی، متخصص پوست و صو، در گفت‌وگو با «ایران» توضیح می‌دهد: «مایت‌های گردغبار از طریق مواد دفعی خود می‌تواند سیستم ایمنی بدن را تحریک کنند. این مواد به عنوان آنتی‌ژن عمل کرده و باعث بروز واکنش‌های آلرژیک مانند خارش پوست، التهاب، قرمزی و در برخی موارد تشدید بیماری‌های زمینه‌ای پوستی می‌شوند.»

درباره مایت و آلرژی‌های پنهانی

که در بالش و عروسک پنهان می‌شوند

میهمان ناخوانده نامرئی!

گزارش

کیما آقابکلو

گروه گزارش

شب‌ها وقتی چراغ خاموش می‌شود و خانه در سکوت فرومی‌رود، رختخواب امن‌ترین پناه ماست، جایی برای استراحت و قرار از خستگی روز. اما همین تشک و بالش می‌توانند زیستگاه موجوداتی باشند که بی‌صدا، بی‌دید شدن و بی‌آواز، کنار ما زندگی می‌کنند. موجوداتی که از گرمای بدن، رطوبت محیط و رد نامرئی پوست‌های مرده انسان تغذیه و در همان جایی که خواب‌مان می‌برد، زادو و ولد می‌کنند.

خارش‌های شبانه، عطسه‌های مکرر صبحگاهی، آبریزش بینی بعد از بیدار شدن یا سوزش چشم‌هایی که انگار بی دلیل تحریک شده‌اند، برای خیلی‌ها تجربه‌ای آشناست؛ علائمی که اغلب به گردغبار، سرماخوردگی یا حساسیت‌های فصلی نسبت داده می‌شود. اما گاهی منشأ این نشانه‌ها، بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی است که تصور می‌کنیم: درست زیر ملحفه‌ها. مایت‌ها (Pharmato-terrysinus) بندپایانی میکروسکوپی با اندازهای کمتر از نیم میلی‌متر هستند که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شوند، اما حضورشان می‌تواند اثرات محسوسی بر سلامت انسان بگذارد. این موجودات ازگردغبار خانگی،